|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:....................ترم:...........سال تحصیلی: 1398- 1399 نام درس:ادبیات نام ونام خانوادگی مدرس:استاد اسماعیلیآدرس emailمدرس:......................................................تلفن همراه مدرس:................................ |
| جزوه درس:............................................................... مربوط به هفته : 🞎12 🞎 🞎  text: دارد 🞎ندارد🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎تلفن همراه مدیر گروه : ............................................  |
| **سیل****روز شنبه نهم ماه رجب، میان دو نماز بارانکی خرد خرد می بارید چنان که زمین تر گونه میکرد. و گروهی از گله داران در میان رود غزنین فرود آمده بودند و گاوان بدان جا بداشته، هرچند گفتند از آن جا برخیزید که محال بود بر گذر سیل بودن، فرمان نمی بردند، تا باران قوی تر شد. کاهل وار برخاستند و خویشتن را به پای آن دیوارها افکندند که به محلت دیه آهنگران پیوسته است و نهفتی جستند- و هم خطا بود- و بی آرامیدند. و بر آن جانب رود که سوی افغان شال است بسیار استر سلطانی بسته بودند در میان آن درختان تا آن دیواره‌های****آسیا، و آخر ها کشیده و خرد پشته زده و ایمن نشسته، و آن هم خطا بود، که بر راه گذر سیل بودند، و پیغامبر ما مصطفی(ص) گفته است:(( نعوذ بالله من الخرسین الصمین))و بدین دو گونگ و دو کر(( آب)) و(( آتش)) را خواسته است. و این پل با میان در آن روزگار بر این جمله نبود، پلی بود قوی به ستون های قوی برداشته و پشت آن دو رسته به دکان برابر یکدیگر چنانکه اکنون است. و چون از سیل تباه شد عبویه بازرگان آن مرد پارسای باخیر- رحمت الله علیه- چنین پولی برآورد یک طاق بدین نیکویی و زیبایی و اثر نیکو ماند و از مردم چنین چیزهای یادگار ماند. و نماز دیگر را باران آن چنان شد که بر آن جمله یاد نداشتند و بداشت تا از پس نماز خفتن بدیری و پاسی از شب شب گذشته، سیل در رسید که قرار دادند پیران کهن که بر آن جمله یاد ندارند. درخت بسیار از بیخ بکنده می‌آورد و مغافصه در رسید.** **گله داران به جسته اند و جان را گرفتند و همچنان استرداران ، و سیل گاوان و استران را در ربود و به پل رسید و گذر تنگ چون ممکن شدی که آنچنان آغار و درخت و چهار پای به یکباره توانستی گذشت؟طاق‌های پل را بگرفت چنانکه به صرافان رسید و بسیار زیان کرد، و بزرگتر هنر آن بود که پل را با دکان ها از جایی بکند و آب راه یافت. اما بسیار کاروانسرای که بر رسته بود ویران کرد و بازارها همه ناچیز شد و آب تا زیر انبوه زده قلعت آمد چنان که در قدیم قدیم بود پیش از روزگار یعقوب لیث، که این شارستان و قلعت غزنین عمرو برادر یعقوب آبادان کرد...****و این سیل بزرگ مردم آن را چندان زیان کرد که در حساب هیچ شمار گیر نیاید. و دیگر روز از دوجانبه رود مردم ایستاده بود به نظاره، نزدیک نماز پیشین را مدد سیل بگسست، به چند روز پل نبود و مردم آن دشوار از این جانب بدان و از آن جانب بدین سیل بنشست مردم آن زر و سیم جام تباه شده میافتند که سیل آنجا****افکنده بود و خدای- عزوجل- تواند دانست که به گرسنگان چه رسید از نعمت.****(( ابوالفضل بیهقی))** |